

تبیین ارتباط میان صفات مدیر و معیارهای مدیریت شهری مطلوب با برداشتی از نهج البلاغه

مصطفی اکبری مطلق، دانشجوی دکتری، شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران
بهناز امین زاده*، عضو هیئت علمی و استاد تمام، شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران

Explanation of the Relationship between Manager's Attitudes and Principles of Urban Management Based on Nahj al-Balagheh

Abstract

During the last decade, although the knowledge of urban management in Iran has been considered and appeared as an academic discipline, it seems that the emergence of its positive effects in implementation has faced challenges and played no impressive role in improving the system. Therefore, some researchers have sought to solve the fundamental contests, especially the gap between theory and practice in the use of cultural and religious principles, and have reviewed it from the viewpoint of authoritative Islamic resources. One of the most vital issues in this area is the combination and bond between the characteristics of the manager and management, which in many cases has been premeditated but in exact has been less talked. The main purpose of this study is to make an impressive framework for an indigenous and religious approach to interdisciplinary knowledge of urban management. In this article, an attempt has been made to extract and explain the role and relationship between manager's attitudes and principles of urban management in the form of an integrated outline from the view of Nahj al-Balagheh, which is one of the most admitted Islamic texts. The research method is qualitative and the content analysis method is used. From Imam Ali's point of view, government (synonymous with management) needs to have basic grounds which are justice, judgment, security, unity, livelihood, and education; And the ruler (synonymous with the manager) society should have the qualities that are internalized in him through self-improvement in order to strengthen honesty, democracy, humility, truthfulness, consultation, collectivism, democracy, tolerance and rationality. According to the association between the obtained traits and principles, it is conceivable to define an appropriate schema for a managerial position to achieve the best results consistent with the objectives.

Keywords: Urban Management, Governance, Government, Imam Ali, Nahj al-Balagheh

چکیده

طی دهه اخیر اگرچه دانش مدیریت شهری در ایران مورد توجه قرار گرفت و به عنوان رشته‌ای دانشگاهی ظاهر شد اما به نظر می‌رسد ظهور آثار مثبت آن در مقام اجرا با چالش‌هایی روبرو گشته و در بهبود نظام مدیریت شهری جایگاه خود را نیافته است. از این رو برخی از پژوهشگران حل چالش‌های زمینه‌ای خصوصاً شکاف بین تئوری و عمل را در استفاده از مبانی و معارف فرهنگی و دینی جستجو کرده و آن را از منظر منابع معتبر اسلامی مورد بازبینی قرار داده‌اند. یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در این حوزه یکپارچگی و ارتباط بین خصایص مدیر و مدیریت است که در موارد متعدد به تنهایی مورد پژوهش قرار گرفته اما به‌طور خاص کمتر به آن پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش ایجاد زمینه‌ای مؤثر برای رویکرد دینی و بومی نسبت به دانش میان‌رشته‌ای مدیریت شهری است. در این مقاله تلاش شده است تا جایگاه و ارتباط صفات مدیر و معیارهای مدیریت شهری مطلوب در قالب چارچوبی یکپارچه از بطن آموزه‌های نهج‌البلاغه، که از متون معتبر اسلامی است، استخراج و تبیین گردد. رویکرد تحقیق کیفی است و از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر امام علی (ع)، حکومت (مرادف با مدیریت) نیازمند برخورداری از ابنا‌ی اساسی است که عبارت‌اند از عدالت، قضاوت، امنیت، وحدت، معیشت، و آموزش؛ و حاکم (مرادف با مدیر) به‌عنوان الگوی جامعه بایستی صفاتی را داشته باشد که از راه خودسازی در راستای تقویت صداقت، مردم‌داری، تواضع، حق‌گرایی، مشورت، جمع‌گرایی، میانه‌روی، سعه‌صدر و خردورزی در وجودش نهادینه شود. با توجه به ارتباط میان صفات و معیارهای حاصل شده می‌توان به تعریفی از الگوی متناسب با جایگاه مدیریتی برای حصول بهترین نتیجه با توجه به اهداف مدیریت شهری دست یافت.

کلید واژه: مدیریت شهری، حکومت، حاکم، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

۱- مقدمه

از اواخر دهه هفتاد میلادی که موضوع مدیریت شهری به صورت علمی مطرح شد فرایندهای آن همواره از دغدغه‌های مهم اندیشمندان بوده که شالوده آن عبارت است از بر عهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری (کاظمیان و عابدینی، ۱۳۹۰). مدیریت شهری در تعاریف کل‌نگر از مفهوم صرف اداره امور شهر فراتر رفته و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ارتباط قرار گرفته است و نقشی فعال را در توسعه شهری بازی می‌کند. در این نگرش، مدیریت مسئولیتی مهم است که بر عهده مدیر شهری قرار دارد (McGill, ۱۹۹۸) و در امور محلی و مدیریت یکپارچه شهری به یک رده حکومتی ویژه و نسبت مستقل و واحد در کل نظام حکومتی واگذار شده است (Wandeler, ۲۰۰۸؛ Schwedler, ۲۰۱۱). در واقع مدیر شهری مسئولیت حکومت محلی را بر عهده دارد و تمام حوزه‌های توسعه شهر از خصوصی تا عمومی را در اختیار گرفته (Amos, ۱۹۸۹) و از طریق مشارکت مردمی و درکنش متقابل با گروه‌های ذی‌نفع به تنظیم راهبردها و عملکردهای شهری می‌پردازد (Oliver, ۲۰۰۸). مهم‌ترین وظیفه مدیر شهری که با هدف تقویت و بهبود جامعه شهری صورت می‌گیرد شهروندسازی به معنای فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای شهروندان است. با این رویکرد مسئله مهم مدیریت شهری به تعبیر مک‌گیل (McGill, ۲۰۰۱)، در قالب یک پرسش هدفمند قابل طرح است: آیا مدیریت شهری تنها یک رابطه حکومتی است (توزیع منابع) و یا موضوعی مهم برای همه بازیگران در سازوکار شهری محسوب می‌شود؟ در عصر حاضر ضعف ضوابط حقوقی و قانونی، عدم وجود سیاست مدیریتی یکپارچه، عدم هماهنگی و همکاری بین سازمانی به دلیل نگرش بخشی و نقصان منابع مالی و کم‌توجهی مدیران به جایگاه شهروندان از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیریت شهری محسوب می‌شود (Attri et al, ۲۰۱۲). مدیریت شهری در شهرها بدون برخورداری از یک نظام مدیریتی منسجم و هدفمند نمی‌تواند کارآمد و اثربخش باشد، زیرا جدای از ماهیت خود که چندبخشی و چندکنشگر است باید به بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی شهر، مشارکت و عدالت نیز توجه کند. همچنین شهرها دارای وضعیت و ویژگی‌های متفاوتی هستند که فرصت‌هایی مانند بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی موجود را به‌وسیله حاکمیت ایجاد می‌کنند (Nandakumar et al, ۲۰۱۴). به بیان

بمانیان و همکاران (۱۳۹۲) مسائل شهری را می‌توان در ارتباط با نارسایی‌های مدیریت شهری تحلیل نمود، چراکه عدم برقراری موازنه در گردونه پاسخ به نیازهای اساسی شهروندان موجب بروز اشکال در فرایندها می‌شود. پس نقش حکومت‌ها در مقیاس‌های خرد و کلان در برقراری شرایط زندگی باکیفیت برای شهروندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در نظام شهرنشینی این وظیفه بر دوش حکومت محلی یا همان مدیریت شهری قرار دارد.

در ایران نقش حکومت در راستای آرمان‌ها و مقاصد اعتلای جامعه شهری به‌طور کلی از منظر اسلام و به‌طور خاص از نگاه امام علی (ع) مورد مطالعه و پژوهش بسیاری از علاقه‌مندان قرار گرفته و تلاش‌هایی برای تعریف مدیر و مدیریت از این منظر انجام شده است. در همین راستا شریف زادگان (۱۳۹۴) و عرفانیان (۱۳۹۶) مسئله مدیریت شهری از دیدگاه اسلام، و امین‌زاده و نقی‌زاده (۱۳۸۱) و نقی‌زاده (۱۳۹۵) خصایص حکومت علوی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. رستمی و نظری (۱۳۹۵) حکومت مطلوب را مبتنی بر اسلام، اجماع و عقل؛ درزی و صدریه (۱۳۹۴) مؤلفه‌های حکمرانی خوب را در پاسخگویی، ثبات، اثربخشی، قانون‌مداری، و فسادزدایی؛ نوایی و سیدموسوی (۱۳۹۰) منشأ و ملاک‌های حکومت الهی را در کفایت، الوهیت، مردم‌داری، و نظارت؛ قراسویی (۱۳۹۴) عوامل مدیریت سالم را در مردم‌داری، ارتباط دوسویه، پاسخ‌گویی، و قانون‌مداری؛ و جعفری (۱۳۸۴) اصول مدیریت شهری را در شایستگی، خوش‌گمانی، فرزاندگی، و یکپارچگی پیدا می‌کنند.

موضوع صفات حاکم از منظر امام علی (ع) نیز مطالعاتی را به خود اختصاص داده است، برای نمونه قربان نژاد و عیسی‌خانی (۱۳۹۲) شایستگی‌های اصلی مدیر را در تقوا، اخلاق، امانت‌داری، انصاف و خرد؛ ربی پور و صمدی وند (۱۳۸۸) خصوصیات مدیر را در ایمان، تقوا، وفا، صداقت، اعتدال، ساده زیستی، گذشت، تلاش، خلق حسنه، دلسوزی، عدالت، اصالت، تخصص، تجربه، و توانایی؛ ماهوزی (۱۳۹۱) ملزومات مدیر بودن را در کشتن نفس اماره، تقویت نفس لوامه و نیل به نفس مطمئنه؛ و حیدری (۱۳۹۷) مهم‌ترین خصایص حاکم را امانت‌داری، تواضع، مدارا، شکیبایی، اعتدال، و مردم‌داری می‌یابند. در این تحقیق با نظر به لزوم تدقیق چارچوب صلاحیت‌های مدیر و مدیریت شهری سعی شد از معبر اندیشه الهی امام علی (ع) درباره حاکم و حکومت، مطالعه‌ای تطبیقی انجام شود. مقصود از حکومت در این پژوهش معنای عام آن است که قوه اجرایی را در ارتباط با قوای دیگر در تعامل می‌بیند و سعی دارد آن را در

شمایل یک نظام حکومت محلی تعریف کند. در سخنان امام علی (ع) حاکم و حکومت در چارچوبی یکپارچه متبلور می‌شوند و تبیین و تفکیک وظایف به نماینده رسمی در هر منطقه ابلاغ می‌گردد (جعفری، ۱۳۷۶: ۷۱). در چارچوب معنایی این پژوهش می‌توان حکومت را هم‌عرض مدیریت (به معنای مجموعه فرایندهای تعدیل و تنظیم و تثبیت امور شهر و شهروندان)، حاکم را معادل مدیر (به‌مثابه کانون تدبیر و تصمیم‌گیری درباره امور شهری) و مردم را مرادف با شهروندان (به معنای ساکنین ذی‌حق و ذی‌نفع) انگاشت. سؤال اصلی پژوهش این است که: در نظر امام علی (ع) صفات حاکم (مدیر شهری) و معیارهای حکومت مطلوب (مدیریت شهری) چه رابطه و الگوی معناداری می‌یابند؟

۲- معنای حکومت و جایگاه حاکم در نگاه امام علی (ع)

در تطبیق معرفتی معنای مدیریت با حکومت، می‌توان این‌گونه گفت که حکومت از نظر امام علی (ع) وظیفه‌ای است الهی بر دوش حاکم که بایستی مطیع اوامر الهی و ولی امر بوده و با اعتلای روزافزون ظرفیت‌های انسانی، جامعه را در مسیر تعالی هدایت کند (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲). ایشان حکومت را به‌خودی‌خود یا برای رسیدن به امیال نفسانی فاقد هرگونه ارزش و بسیار پست می‌خوانند و والیان زبردست خود را از آن بر حذر می‌دارند. ارزش مردم در حکومت امام علی (ع) بسیار والا است، به‌طوری‌که حاکم حق هیچ تعدی به ایشان را نداشته و بایستی خود را هم‌ردیف مردم بداند و حکومت خویش را از معبر پذیرش عام تضمین نماید (جعفری، ۱۳۷۶). امام علی (ع) حکومت را فریضه‌ای از سوی خداوند بر عهده حاکم می‌بیند و حاکمان را پاسبانان خداوند بر روی زمین معرفی می‌کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۲). از نظر ایشان پذیرش امر حکومتی از سوی حاکم بایستی به دلیلی محکم و بر اساس خواست عموم صورت پذیرد، چنانکه می‌فرماید: «اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود، و یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته و رها می‌نمودم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶/۳).

ایشان در امر خطیر انتخاب کارکنان و کارگزاران نیز به والیان گوشزد می‌کند که در امور کارکنان حساس باشند، و پس از اثبات موفقیت در آزمون تجربه و حیا و اصالت و تقوا و اخلاق و آینده‌نگری نزد عموم ایشان را به

کار بگیرند (نهج‌البلاغه، نامه ۷۱/۵۳). از نظر امام علی (ع) حاکم وظیفه دارد عدل و انصاف را بر روی زمین بگستراند، امانت‌دار خدا در زمین باشد، و از فساد و گناه در جامعه جلوگیری کند (خوانساری، ۱۳۴۶: ۶۰۴). ایشان حاکمان را از مصادیق فساد و گناه بر حذر می‌دارد، به‌طوری‌که در مهم‌ترین و پرتکرارترین کلام به حاکمان اجرای فرمان‌ها و امانت‌داری را گوشزد می‌کند: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب‌ونان نخواهد بود، بلکه امانتی است در گردن تو، باید از فرمانده و امام اطاعت کنی» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۸۵/۵). پس حاکم را از غرور و سرکشی بر حذر می‌دارد و او را به تعقل می‌خواند، تا اگر دچار تکبر یا خودبزرگ‌بینی شد به بزرگی حکومت پروردگار بنگرد و از سرکشی نجات یابد (نهج‌البلاغه، نامه ۱۳/۵۳). همچنین حاکم را به مهربانی با مردم امر می‌کند: «مبادا همچون حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت بیابی» (نهج‌البلاغه، نامه ۸/۵۳)، و خضوع در برابر مردم را یک اصل می‌خواند: «مبادا بگویی من اکنون بر آنان مسلطم، فرمان دادن از من است و از آنان اطاعت کردن، که عین راه یافتن فساد در دل و خرابی در دین و نزدیک شدن به سقوط است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). ایشان سعه‌صدر در برابر مردم را اصلی مهم در حاکمیت برمی‌شمارد و از رسول خدا نقل می‌کند ملت‌ی که حق ناتوانان را از زورمندان بی‌اضطراب و بهانه‌ای بازنستاند رستگار خواهد شد (نهج‌البلاغه، نامه ۱۰۹/۵۳).

۲-۱ روش و ابزار تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت کاربردی و از حیث شیوه اجرا کیفی است. از میان روش‌های پژوهش کیفی از رویکرد تحلیل محتوا به‌عنوان رویکردی قاعده‌مند و از روش تحلیل مضمون به‌عنوان روشی برای دستیابی به معنا و ارتباط درون‌متنی در آن استفاده شده است. سه مرحله اصلی طی شده در این تحقیق عبارت‌اند از:

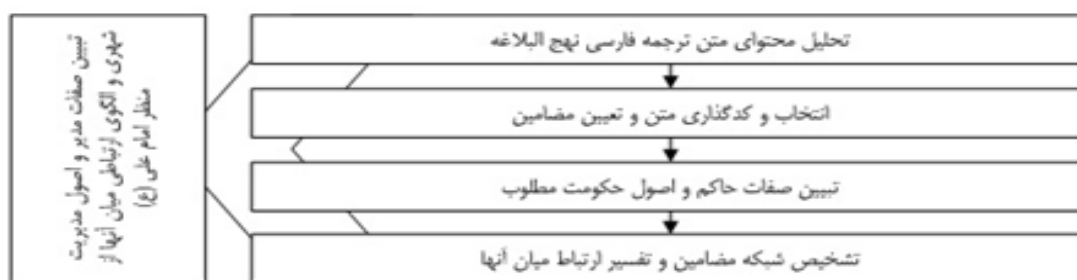
الف) تجزیه و تحلیل متون: آشنایی، کدگذاری، شناخت مضامین؛

ب) شرح و تفسیر کلیدواژه‌ها: شبکه مضامین، تفسیر ارتباطات درون‌متنی؛

ج) استخراج و ترکیب مضامین: تدوین نتایج و انطباق.

در گام اول با مطالعه مفاهیم مطرح در نهج‌البلاغه مجموعه کلیدواژه‌های پایه با تحلیل کمی توسط نرم‌افزار MaxQDA ۱۰ استخراج و پس‌از آن نسبت به کدگذاری و دسته‌بندی مضامین اصلی در متن نهج‌البلاغه اقدام شد. پایایی پژوهش با روش توافق درون موضوعی

تأیید شد (۸۳ درصد). تحلیل‌های کمی با استفاده از سه ترجمه معتبر محمدجعفر شهیدی، محمدتقی جعفری و محمد دشتی آغاز شد و برآیندی از نتایج حاصل مورد آزمون اولیه قرار گرفت و نهایتاً متن مورد استفاده در این پژوهش متن کامل نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی تعیین گردید. پس از یافتن مضامین اصلی و فرعی، ارتباط میان مضامین و تحلیل آن‌ها در قالب ماتریس کدهای مشترک انجام شد و در نهایت با بهره‌گیری از منابع تکمیلی، آرای امام علی (ع) در قالب صفات حاکم (مدیر) و معیارهای حکومت (مدیریت) مورد تحلیل قرار گرفت. این فرایند در نمودار مفهومی زیر نشان داده شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی روش تحقیق

۳- یافته‌ها

۳-۱- معیارهای حکومت و صفات حاکم از منظر امام علی (ع) و مفهوم آن در مدیریت شهری

مضامین اساسی جهت کاوش در نهج‌البلاغه بر اساس میزان تکرار کلیدواژه‌گان در گزاره‌ها، شش مورد به ترتیب میزان تکرار شامل عدالت، آموزش، وحدت، معیشت، امنیت، و قضاوت استخراج شد. علاوه بر آن‌ها، مضمون خودسازی حاکم جهت شناسایی صفات مدیر به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گرفت. در واقع هر یک از مضامین در تحلیل متن نهج‌البلاغه خود از برآیند

جدول ۱- مضامین و کلیدواژه‌های مورد پژوهش

مضمون در نهج‌البلاغه	عدالت (بار ۸۳۲)	آموزش (بار ۷۴۱)	وحدت (بار ۶۵۸)	معیشت (بار ۶۰۳)	امنیت (بار ۱۴۹)	قضاوت (بار ۱۱۲)	خودسازی حاکم (بار ۹۸۰)
کلیدواژه‌های مرتبط در نهج‌البلاغه	عدل، عادل، انصاف، تعادل، مساوات، برابری	خطبه، نماز، سواد، قرآن، دانش، فکر	امت، پیامبر، خدا، امامت، هدایت	سهم، بیت‌المال، شغل، تجارت، کشاورزی، ذخیره، ثروت	آرامش، آسایش، صلح، ثبات، تعادل	حق، انصاف، شاهد، حقیقت، دلیل، دادخواهی	تواضع، حق‌گرایی، خردورزی، جمع‌گرایی، سعه‌صدر، صداقت، مردم‌داری، میان‌روزی، مشورت

شهرها و ظهور محبت میان مردم می‌داند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). اگرچه برقراری عدالت همواره از مهم‌ترین چالش‌هایی بوده که در اجتماع شهری مورد توجه قرار گرفته اما بر سر کیفیت وقوع آن مناقشه وجود داشته است. از منظر مدیریت شهری عدالت در سه بعد فضایی، اجتماعی و اقتصادی قابل تعریف و پیگیری است (Gray, ۲۰۰۲). مفهوم عدالت اجتماعی در شهر، در حفظ منافع گروه‌های مختلف اجتماعی به‌طور عام و گروه‌های هدف به‌طور خاص، از طریق توزیع بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه‌ها تعریف می‌شود. عدالت اقتصادی نیز باید دربرگیرنده توزیع و تخصیص عادلانه باشد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷)، لذا هرگونه برنامه‌ریزی شهری که مبتنی بر عدالت فراگیر در شهر باشد می‌بایست بتواند هم در توزیع منافع عمومی بر اساس استحقاق و هم در تخصیص آن‌ها مؤثر باشد.

کلیدواژه‌گانی حاصل شده‌اند که مجموعاً تعیین‌کننده میزان تکرار مضمون در متن است. جدول زیر میزان تکرار و کلیدواژه‌گان مرتبط با هر مضمون را نشان می‌دهد.

۳-۱-۱- عدالت:

امام علی (ع) در رابطه با برقراری عدالت در شهرها آن را موجب مودت میان مردم و آرامش خاطر حاکم دانسته‌اند (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۴۹). ایشان می‌فرمایند: «در عدل گشایش است و کسی که عدل بر او تنگ می‌گردد، ستم بر او تنگ‌تر می‌شود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵). همچنین بهترین روش‌شنایی چشم زمامداران را استقرار عدالت در

۳-۱-۲- قضاوت:

در عصر حاضر لزوم برقراری نظام قضاوت در کشاکش جریان تعارض‌های بی‌شمار حقوقی و قانونی شهرها اهمیت بالایی یافته است. امام علی (ع) درباره انتخاب مرجع و اساس قضاوت می‌فرماید: «از میان مردم برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آن‌ها را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، بر اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی بر او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه‌کن کند، و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد، و در شبهات از همه محتاط‌تر عمل کند، و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۵/۵۳). برقراری شرایط و زمینه‌های لازم برای تعادل میان ابعاد و عناصر شهر برمدار قانون استوار می‌گردد و مبتنی بر چارچوبی است که وظایف و تکالیف چندسویه شهروندان و مدیریت شهری را روشن نموده و هدف آن سامان بخشی به زندگی شهری باشد (منصوری، ۱۳۸۳). به بیانی می‌توان گفت حقوق و وظایف شهروندان در برابر دیگران سازوکاری را اقتضا می‌کند که متضمن برقراری عدالت بوده و جوانب مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جهت وفاق دربرگیرد.

۳-۱-۳- امنیت:

امام علی (ع) امنیت را مایه بروز استعدادها و تعالی بشر در اجتماع برمی‌شمرد و صلح را مقدم بر جنگ خوانده و امرای خود را به صلح هوشیارانه ترغیب می‌کند، زیرا صلح را موجب امنیت جامعه و اسباب کمال انسان دانسته و در باب ضرورت آن می‌فرماید: «مردم به زمامدار نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱/۴۰). در مدیریت شهری امنیت از مؤلفه‌های مهم و ضروری در حیات مدنی و یکی از نیازهای پایه‌ای برای تعالی انسان محسوب می‌شود (ضیایی، ۱۳۸۳). از جنبه اجتماعی شهر به‌عنوان فضایی خاص برای خلق فرصت زندگی گروهی قابل‌تعبیر است و به‌واسطه اشکال غیرمستقیم ارتباط و تعامل، انسان‌های مختلفی را در خود می‌پرورد و گروه‌های بسیاری را شکل می‌بخشد که دلیل اصلی ظهور موانع بر سر راه شکل‌گیری امنیت شهری محسوب می‌شود (مامفورد، ۱۳۸۳). در چنین شرایطی مدیریت شهری می‌تواند با تمرکز بر نهادها و سرمایه اجتماعی شناخته‌شده احساس امنیت را به شهر بازگرداند.

۳-۱-۴- وحدت:

امام علی (ع) با تأکید بر اندیشه در احوال گذشتگان، عامل عزت آنان و خفت دشمنانشان را در وحدت می‌داند که کرامت و شخصیت به آنان می‌بخشد (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۰/۱۹۲) و حاکم را بند تسبیحی می‌خواند که دانه‌ها (مردم) را گرد هم آورده و به یکدیگر ضمیمه می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۶). وحدت و یکپارچگی اجتماعی شهر محصول ساختاری چندبعدی است که در نظریه مبادله اجتماعی ارتباط چندوجهی میان انسان‌ها را تبیین می‌کند (Mohanty & Rath, ۲۰۱۲). اعتماد از جنبه‌های مهم روابط اجتماعی سالم و از پایه‌های یکپارچگی جامعه محسوب می‌شود که در جریان تعاملات و کنش‌های متقابل اجتماعی بر پایه دو معیار پاسخگویی و تعهد نقش مهمی در ایجاد نظم و همبستگی دارد.

۳-۱-۵- معیشت:

در اندیشه امام علی (ع) توجه به اصلاح شیوه معیشت و آسایش اقتصادی مایه آرامش و اجرای دین است به‌طوری‌که اصلاح معیشت بندگان خدا را از وظایف اصلی حاکم و شاخص کفایت او می‌خواند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). ایشان توجه به قشر ضعیف و طبقات پایین اقتصادی شامل نیازمندان و مستمندان را حقی می‌داند که بر گردن زمامدار نهاده شده است (نهج‌البلاغه، نامه ۴۸/۵۳). در مدیریت شهری اهرم اجرایی بهبود رفاه عمومی در عوامل اقتصادی دیده شده است (شایان، ۱۳۸۰؛ ضیایی، ۱۳۸۳). در این دوران با توجه به افزایش جمعیت، کاهش سهم دولت در اشتغال و تغییرات اساسی در سازوکار شهرها بر اثر جهانی‌شدن، پدیده معیشت که بر پایه اشتغال و کارآفرینی ارتقا می‌یابد به‌عنوان ابزاری در راستای تحقق اقتصاد پویا و پایدار شهری معرفی می‌شود (Sriram et al, ۲۰۰۷). مدیریت شهری وظیفه مهمی در بسترسازی برای رشد و کارآفرینی شهروندان از طریق ایجاد زمینه‌های لازم و حذف موانع داشته و از این طریق امکان توسعه فراگیر شهر در ابعاد اقتصادی و اجتماعی را موجب می‌شود.

۳-۱-۶- آموزش:

امام علی (ع) یکی از حقوق متقابل حکومت و مردم را آموزش برشمرده و آموزش عمومی و رشد فضایل انسانی و تلاش حاکم برای فراهم آوردن اسباب آموزش مردم را از حقوق مردم بر حکومت می‌خواند (خوانساری، ۱۳۴۶) و معتقد است که مردم باید خود بخواهند و در مسیر تربیت گام نهند که در غیر این صورت تربیتی حاصل نخواهد شد (جعفری، ۱۳۷۶: ۴۵۰). ایشان درباره ارتقای

علمی حاکم می‌فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم ساخته باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، خود بیاموزد و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳). آموزش از ارکان اساسی حیات مدنی در عصر حاضر است که در جهت افزایش آگاهی و استحکام مردم محوری و مشارکت مدنی نقش مهمی دارد (نصری، ۱۳۹۴). در مدیریت شهری آموزش‌های شهروندی را بایستی به‌عنوان مجموعه دانش، ابزار و فعالیت‌هایی در نظر گرفت که به‌منظور ترغیب افراد جامعه برای مشارکت فعالانه در زندگی جمعی و احقاق حقوق و مسئولیت‌ها به کار می‌آید.

۳-۱-۷- خودسازی حاکم:

از آنجاکه تعالی خصایل انسانی و اخلاقی از کلیدی‌ترین مباحث موردنظر امام علی (ع) در سخن با والیان حکومت‌های محلی بوده است، در بخش بزرگی از نهج البلاغه می‌توان اشارات ایشان به لزوم خودسازی حاکمان را مشاهده نمود. به‌طوری‌که ایشان خودسازی را اصلی اساسی برای حاکم دانسته و حاکمیت را در ارتباط با خصایص فردی حاکم واجد مشروعیت می‌خواند (جعفری، ۱۳۸۴: ۹۱). ایشان در موارد متعدد به تشریح خصوصیات حاکم پرداخته و شماییلی واقعی از حاکم مستقر در حکومت اسلامی را ترسیم می‌کند. مجموعه‌ای منتخب از آرای ایشان در ارتباط با صفات حاکم در جدول زیر آمده است.

جدول ۲- خصایل اخلاقی حاکم در کلام امام علی (ع)

صفات	منتخب کلام
تواضع	«تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهید و تکبر و خودپسندی را زیر پا بگذارید و حلقه‌های زنجیر خودبزرگبینی را از گردن باز کنید» (نهج البلاغه، نامه ۲۳/۱۹۲).
حق‌گویی	«و به او فرمان می‌دهد تا از پیروی آرزوها بایستد، و به هنگام سرکشی و امش نماید، که همانا نفس همواره به بدی وامی‌دارد ... هوای نفس را در اختیار گیر، و از آن چه حلال نیست اجتناب کن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).
پرهیزی	«باید از کارها، آن را بیش‌تر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فروماند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). «بخشنده باش نه با تذبذب و اندازه نگه‌دار و بر خود سخت مگیر» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳).
جمع‌گرایی	«تا می‌توانی با پرهیزکاران و راست‌گویان ببیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستانند، و تو را برای اعمال زشتی که انجام نداده‌ای تشویق نکنند» ^۱ .
معمود	«باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دستت، تندری زبان، را در اختیار خود گیر، و با پرهیز از شتاب‌زدگی، و فروخوردن خشم خود را آرامش ده تا خشم فرونشیند و اختیار نفس در دست تو باشد» ^۲ . «مبادا در کاری که وقت آن فراتر رسیده شتاب کنی، یا در کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی، و یا در چیزی که روشن نیست سستی‌جویی نمایی و یا در کارهای روشن کوتاهی کنی» ^۳ .
صداقت	«و از اموری که بر همه روشن است، غفلت نداشته باش، زیرا به‌رحال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی، و به‌زودی پرده از کارها کنار رود، و انتقام ستم‌دیده از تو بازمی‌گیرند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن والیان، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).
مردم‌داری	«با خدا و مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری انصاف را رعایت کن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). «مبادا با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت‌گذاری، یا آن‌چه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده‌های داده سپس خلف وعده نمایی» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). «به‌ویژه امور کسانی را بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند» (نهج البلاغه، نامه ۱۰۱/۵۳).
میانروی	«آن‌که میانه را پیش گیرد، بستاندش و به نجات مژده دهد و آن‌که راه راست یا چپ را پیش گیرد، روش وی را زشت شمارند و از تباهی‌اش بر حذر دارند» ^۴ . «فرد جاهل همواره یا در افراط است یا تفریط» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰).
مشورت	«بخیل را در مشورت دخالت نده که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت دخالت نده که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت دخالت نده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). «با دانشمندان فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت» ^۵ .

۱- سنن ترمذی، ۱۳۷۸

۲- سنن ترمذی، ۱۳۷۸

۳- محمدی و دشتی، ۱۳۷۸

۴- محمدی و دشتی، ۱۳۷۸

۵- سنن ترمذی، ۱۳۷۸

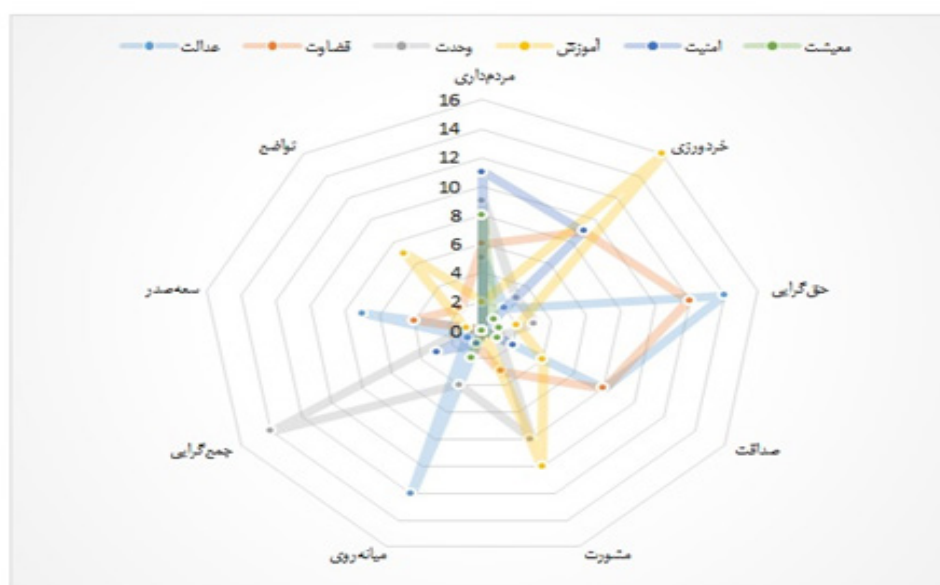
۲-۳- سنجش ارتباط میان معیارهای حکومت و صفات حاکم

با توجه به ارتباطات درون‌متنی می‌توان گفت خصایص مطرح درباره حکومت بر اساس میزان ارتباط با خصایل حاکم به ترتیب اهمیت شامل عدالت، قضاوت، وحدت، آموزش، امنیت و معیشت است. همچنین با توجه به میزان ارتباط صفات اخلاقی حاکم و معیارهای حکومت، می‌توان دریافت که هر یک از معیارهای حکومتی بیشترین ارتباط را با کدام‌یک از صفات حاکم دارند و از این طریق می‌توان شاخصی برای شناسایی کیفی حاکم (مدیر) شایسته تعریف نمود. بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه آنکه در جایگاه حاکم بالادست قرار می‌گیرد بایستی همه خصایل اخلاقی را به نیکی

در این مطالعه تلاش شد با استخراج مضامین مرتبط با حکومت (مرادف با مدیریت) و حاکم (مرادف با مدیر) از دل کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه، به چگونگی کیفیات آن از منظر امام علی (ع) پرداخته شود. لازم بود مضمون خودسازی حاکم به‌عنوان یک فرا معیار مورد تأکید و تحلیل قرار گیرد و در ارتباط با اینای حکومت مطالعه شود. از این معیار امکان سنجش ارتباط درون‌متنی میان معیارهای حکومت و صفات حاکم فراهم گشت که تعدد ارتباطات درون‌متنی آن‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول ۳- تعداد ارتباط درون‌متنی معیارهای حکومت و صفات اخلاقی حاکم در آرای منتخب از نهج‌البلاغه

مجموع	صفات حاکم (خودسازی)									ارتباط درون‌متنی مضامین/خصایص مردم‌داری
	تواضع	سعه‌صدر	جمع‌گرایی	میان‌روی	مشورت	صداقت	حق‌گرایی	خردورزی	عدالت	
۴۹	۰	۵	۱۲	۰	۸	۱۴	۲	۵	۰	عدالت
۴۵	۲	۴	۱	۳	۸	۱۲	۹	۶	۰	قضاوت
۴۳	۰	۱	۴	۸	۱	۳	۳	۹	۰	وحدت
۴۲	۷	۱	۰	۱۰	۴	۲	۱۶	۲	۰	آموزش
۲۶	۰	۰	۱	۰	۲	۰	۹	۱۱	۰	امنیت
۱۳	۰	۰	۲	۰	۱	۱	۱	۸	۰	معیشت
	۹	۱۳	۲۰	۲۱	۲۴	۳۲	۴۰	۴۱		مجموع



شکل ۲- ارتباط درون‌متنی معیارهای حکومت و صفات اخلاقی حاکم در آرای منتخب از نهج‌البلاغه

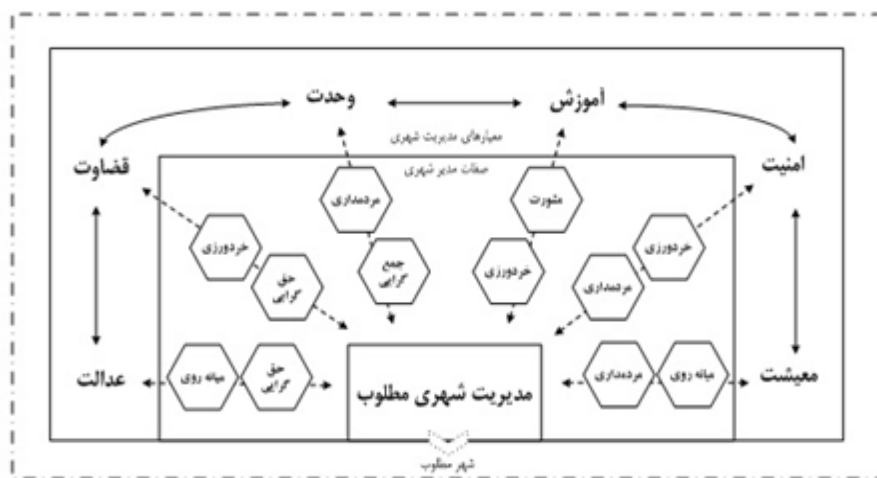
در خود پرورانده باشد و کارگزاران زیردست نیز بایستی از خصلت‌های موردنیاز بهره‌مند باشند. نمودار زیر به‌طور شماتیک ارتباط میان معیارهای حکومت و صفات حاکم را نشان می‌دهد.

گرچه درهم تنیدگی خصایص حکومتی و خصایل حاکم لزوم نگاه جامع نسبت به آن را اقتضا می‌کند، اما برای تبیین اهداف مدیریتی و تعیین افراد مناسب در مناصب مختلف بهره‌گیری از چارچوبی نظام‌مند می‌تواند بسیار مفید باشد. از این‌رو شناخت نگاه والای امام علی (ع) در این‌باره و توجه به آن در مدیریت شهری راهگشای تعیین اهداف و اولویت‌ها است. ایشان جهت اعتلای معیارهای حکومت در جامعه بر انتصاب فرد مورد اعتماد در منصب متناسب تأکید دارد و آن را موجد اعتماد مردم نسبت به حاکمیت می‌خواند، علی‌الخصوص در نامه شماره ۵۳ خطاب به مالک اشتر بارها از ناکامی حاکمانی سخن به میان می‌آید که اصول را نادیده گرفتند و بر فروع پافشاری کردند. باید توجه داشت که عدالت و قضاوت جز با نهادینه شدن اندیشه حق‌گرایانه رواج نمی‌یابد و پایداری آن وابسته به رعایت حقوق عام و خاص است، و وحدت مبتنی بر روابط اجتماعی و تعامل دائمی میان حاکم و حکومت (مدیر و مدیریت) با مردم (شهروندان) است. به نظر می‌رسد معیارهای آموزش، امنیت و معیشت که قطعاً از اهمیت بالایی برخوردار هستند در سایه اعتلای سه معیار نخست رشد می‌یابند.

۳-۳- الگوی قابل استفاده در مدیریت شهری

دستیابی به الگوی مناسب برای مدیریت شهری در شرایط مختلف ممکن است از راه‌های متفاوت حاصل شود، آنچه روشن است این‌که هر جامعه‌ای بنا به

اولویت‌ها و ضرورت‌های خویش در تلاش برای تدارک چنین الگویی بایستی با نظر به آموزه‌های تاریخی و فرهنگی اقدام نماید. این بذل توجه به گنجینه‌های اندیشه همچون نهج‌البلاغه اولویت‌هایی را در اختیار می‌گذارد که نشان از حکمت والای علوی داشته و در بسیاری از منابع معتبر دینی مورد تأیید قرار گرفته است. در این پژوهش تلاش شد اهم معیارها و صفات از نگاه امام علی (ع) در قالبی منسجم استخراج گردد، آنچه از این الگو قابل برداشت است ارتباطی معنادار میان برخی صفات با معیارها است که می‌توان از آن به‌عنوان تأکید ایشان نام برد. چنانچه ترادف حکومت محلی با مدیریت شهری و حاکم با مدیر شهری مورد فرض قرار گیرد آنگاه می‌توان تعریفی مبین از صفات موردنیاز مدیر شهری برای دستیابی به هر یک از معیارهای مدیریت شهری ارائه نمود. بدین‌صورت که با نظر به تعدد ارتباطات درون‌متنی (جدول شماره ۳ و شکل شماره ۲) می‌توان دریافت از منظر ایشان برقراری عدالت در گرو حق‌گرایی و میانه‌روی، اجرای احکام و قضاوت صحیح در رابطه با حق‌گرایی و خردورزی، تقویت وحدت اجتماعی مربوط به جمع‌گرایی و مردم‌داری، عملیاتی شدن آموزش مناسب بر بستر خردورزی و مشورت، دستیابی جامعه به امنیت نیازمند مردم‌داری و خردورزی و ارتقای معیشت مردم بر پایه مردم‌داری و میانه‌روی فرد مدیر است. پس می‌توان گفت که اگر جامعه شهری در پی برقراری مدیریت شهری مطلوب و دستیابی به اهداف والای بشری است بایستی افراد مناسب در مسندهای قدرت قرار گیرند. از سویی اعتلای معیارهای مدیریت شهری و اجرایی شدن مفاهیم والای مدنظر امام علی (ع) نیازمند زمینه‌ای مستعد و متناسب از نیروی انسانی



شکل ۳- ارتباط میان مدیریت شهری مطلوب با صفات مدیر شهری در راستای دستیابی به معیارها از منظر امام علی (ع)

متعهد و مجرب است که جایگاه و اهداف را شناخته و استعداد حرکت در مسیر بهبود را داشته باشد. ارتباط میان مدیریت شهری مطلوب با صفات مدیر شهری و معیارهای مدیریت شهری در نمودار زیر ترسیم شده است.

جان کلام یافته‌های این پژوهش را می‌توان بدین شکل خلاصه نمود که در مقام مدیر لازم است فرد عادلانه و خردورزانه عمل کند، در نتیجه و در پناه این عقلانیت حق را بشناسد، با صداقت عمل کند، بداند که جهت تأمین مراتب مختلف نیازهای انسان مسئول است؛ در این مقوله مردم را به‌خوبی بشناسد، و برای پیشرفت از مشورت با بزرگان غافل نشود. در ارتباط با دیگران سعه‌صدر داشته باشد، و تواضع را سرلوحه امور قرار دهد. پس از این رهگذر چنین مدیری قادر است در مقوله معیارهای مدیریت بر محور عدالت به‌عنوان یک اصل بایستد، قضاوت عادلانه را جاری گرداند، و در سایه ضمانت اجرایی آن مراتب مختلف امنیت را برقرار سازد. در کنار آن‌ها امکان آموزش مناسب را برای همه شهروندان فراهم نماید و به‌تناسب امکانات معیشت را ارتقا بخشد. این الگو می‌تواند امکان تبدیل شهرها به محیطی بهتر برای زندگی باکیفیت را فراهم آورد.

۴- نتیجه

در عصر حاضر گستردگی در وظایف و مسئولیت‌های مدیریت شهرهای در حال رشد بر چالش‌های آن در ایجاد وفاق و هماهنگی افزوده و مانعی بزرگ بر سر راه عملیاتی شدن اهداف آن گشته است و از این رو است که هر جامعه‌ای نیازمند بازتعریف اصول و مبانی بر اساس داشته‌های اندیشه و فرهنگ خویش است. تحلیل محتوای نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که معیارهای حکومت مطلوب شامل عدالت، قضاوت، وحدت، آموزش، امنیت، معیشت و معیارهای حاکم شایسته در صفات مردم‌داری، خردورزی، حق‌گرایی، صداقت، مشورت، میان‌رویی، جمع‌گرایی، سعه‌صدر، و تواضع سامانه‌ای را تشکیل می‌دهند که در آن ارتباط مشخصی بین معیارهای حکومت مطلوب و حاکم شایسته وجود دارد و در واقع صفات مدیر نوعی ضرورت و یکی از شروط اصلی امکان ظهور معیارهای مدیریت مطلوب محسوب می‌شود. این سامانه یکپارچه قابلیت تعمیم به شرایط مدیریت شهرها و تعیین مدیران شهری را نیز دارد.

یافته‌های این پژوهش در همسویی با تلاش‌های پیشین برای شناخت مدیر و مدیریت مطلوب از منظر امام علی (ع)، آموزه‌های حکومت ایشان را در حوزه مدیریت شهری

وارد نمود و ارتباط میان صفات مدیر و معیارهای مدیریت شهری را مورد تحلیل قرار داد تا مشخص شود برای هر معیار مدیریتی چگونه فردی با چه شایستگی‌هایی لازم است. الگوی حاصل از این پژوهش و اولویت معیارهای مدیریت و صفات مدیر می‌تواند در مدیریت امور شهری به‌عنوان عیارسنج مطلوبیت کیفی مدیریت/مدیر مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش در نوع خود با محدودیت‌هایی مواجه بود، چنانکه تمرکز بر متن نهج‌البلاغه و روش تحلیل مضمون برخی محدودیت‌ها را رقم زد و بدیهی است که گسترش دامنه مطالعه با استفاده از منابع بیشتر و رجوع به سیره معصومین می‌تواند به تعمیق نتایج برای تبیین صفات و معیارها در مدیریت شهری یاری برساند.

منابع

- امین‌زاده، بهناز؛ نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۱). آرمان‌شهر اسلام، شهر عدالت. نشریه صفه. دوره ۱۲، شماره ۳ و ۴، صص ۳۱-۳۱.
- بمانیان، محمدرضا؛ تقوایی، علی‌اکبر؛ بهرام‌پور، مهدی. (۱۳۹۲). تبیین رویکرد نظریه شهر عدالت محور در نظام مدیریت شهری با تأکید بر طرح‌های توسعه شهری. مدیریت شهری. شماره ۳۷، صص ۲۵۶-۲۳۱.
- جعفری، سید محمد مهدی. (۱۳۸۴). مدیریت قبیلگی و مدیریت مدنی در نهج‌البلاغه. فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره ۱۰، شماره ۱، بهار، صص ۹۱-۱۱۰.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری، غلامرضا. (۱۳۹۷). بررسی اصول مملکت‌داری و حکومت در نهج‌البلاغه و سیاست‌نامه. نشریه نثرپژوهی ادب فارسی. سال ۲۱، شماره ۴۳، بهار و تابستان، صص ۶۳-۸۵.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد. (۱۳۴۶). شرح غررالحکم و دررالکلم، جلد ۲. انتشارات دانشگاه تهران.
- درزی، قاسم؛ صدریه، پیام. (۱۳۹۴). نگرشی میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه. فصلنامه النهج. شماره ۴۶، پاییز، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- ربی‌پور، محمدعلی؛ صمدی‌وند، منوچهر. (۱۳۸۸). سیاست مدیریتی و ویژگی مدیران در نهج‌البلاغه. نشریه فراسوی مدیریت. سال دوم، شماره ۸، صص ۱۱۹-۱۴۰.
- رستمی، حامد؛ نظری، معصومه. (۱۳۹۵). تحلیلی بر مدل سیاسی حکومت در عصر غیبت با تکیه بر آموزه‌های نهج‌البلاغه. فصلنامه النهج. شماره ۴۸، بهار، صص ۹۸-۱۲۱.
- سید رضی. (۱۳۷۸). نهج‌البلاغه. ترجمه سید جعفر شهیدی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه‌بزرگی، آمنه. (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه. پژوهشنامه نهج‌البلاغه. شماره ۲، تابستان، صص ۱۷-۱.
- شایان، حمید. (۱۳۸۰). تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دو دهه ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵.

- pp.202-208.
- Attri, R.; Grover, S.; Dev, N.; Kumar, D. (2012). An ISM approach for modelling the enablers in the implementation of Total Productive Maintenance (TPM). *International Journal of System Assurance Engineering and Management*, 4(4), pp.313-326. doi: 10.1007/s13198-012-0088-7.
 - Gray, R. (2002). *the Social Accounting project and Accounting organization and society privileging engagement, Imaging new accounting*. *Journal of Accounting organizations and Society*, No. 27. pp. 27-39.
 - McGill, R. (1998). *Urban Management in Developing Countries*. *Cities*. Vol. 15, No. 6, pp. 168-131.
 - McGill, R. (2001). *Urban Management Checklis*. *Cities*. Vol. 18, No. 5, pp. 347-354.
 - Mohanty, J.; Rath, P. (2012). *Influence of organizational culture on organizational citizenship behavior*. *Global journal of business Research*. Vol. 6, No. 1.
 - Nandakumar, K.; Jharkharia, S.; Nair, A. (2014). *Organisational flexibility and competitiveness*. New Delhi: Springer India.
 - Oliver, P. (2008). *City leadership: At the heart of the global challenge*. *Journal of Global Asia*. No. 3(3), pp. 21-24.
 - Schwedler, H. (2011). *Integrated Urban Governance. Metropolis*. World Association of the Major Metropolises Senate. Department for Urban Development. Berlin March.
 - Sriram, V.; Mersha, T.; Herron, L. (2007). *Drivers of urban entrepreneurship: An integrative model*. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*. No. 13(4), pp. 235-251.
 - Wandeler, K. (2008). *Integrated Approaches to Design and Planning*. Commemorative International Conference of the Occasion of the 1th Cycle Anniversary of KMUTT (Sustainable Development to Save the Earth: Technologies and Strategies Vision 2008). Bangkok, Thailand.
- Resources (in Persian):**
- Aminzadeh, B., Naghizadeh, M. (2000). *Islam Utopia, City of Justice*. Soffeh. No.12, Vol. 3-4, pp. 21-31.
 - Bemanian, M., Taghvaie, A., BahramPour, M. (2012). *Explaining the approach of justice-oriented city theory in the urban* فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، پیاپی ۶۱، صص ۸۸ - ۷۳. شریف زادگان، محمدحسین؛ ملک پوراصل، بهزاد. (۱۳۹۴). مدیریت شهری دوران اسلامی در فضاهای اقتصادی شهر و توسعه و به کارگیری آن در شهرهای ایران امروز. نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی. دوره ۳، شماره ۴، صص ۶۵-۸۵.
 - ضیایی بیگدلی، محمدتقی. (۱۳۸۳). موانع اشتغال پایدار و راهکارها. پژوهشنامه اقتصادی، شماره پیاپی ۱۲، صص ۱۲۹-۱۱۳.
 - عرفانیان، جلیل (۱۳۹۶). توسعه مدیریت شهری از منظر تمدن ایرانی اسلامی. تهران: نشر فرهوش.
 - قراسویی، ابراهیم. (۱۳۹۴). شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های سیاسی مؤثر بر مدیریت سالم با الهام از نهج البلاغه. فصلنامه نهج. شماره ۴۶، پاییز، صص ۱۲۷-۱۴۳.
 - قربان نژاد، پریسا؛ عیسی خانی، احمد. (۱۳۹۲). الگوی شایستگی مدیران بر اساس نهج البلاغه امام علی (ع). فصلنامه مدیریت توسعه و تحول. شماره ۱۵، صص ۱۷-۲۲.
 - کاظمیان، غلامرضا؛ عابدینی، زهره. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۴۶، صص ۳۸-۲۷.
 - مامفورد، لوییس. (۱۳۸۳). فرهنگ شهرها. ترجمه عارف اقوامی مقدم. انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
 - ماهوزی، مهدی. (۱۳۹۱). مفهوم مدیریت و رهبری در اسلام با تکیه بر نهج البلاغه. پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب. سال هشتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان، صص ۲۷۷-۲۸۸.
 - محمد بن عیسی بن سوره، ابو عیسی. (۱۳۷۸). سنن ترمذی. نشر دارالحدیث.
 - محمدی، کاظم؛ دشتی، محمد. (۱۳۷۸). المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغه. انتشارات امیرالمؤمنین.
 - منصوری، جهانگیر. (۱۳۸۳). مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری. نشر دیدار، تهران.
 - نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). شهر علوی (شهر آرمانی تحقق‌پذیر در دنیا). انتشارات خورشید باران.
 - نوایی، علی‌اکبر؛ سیدموسوی، سید حسین. (۱۳۹۰). ساختار حکومت در نهج البلاغه. فصلنامه مطالعات تفسیری. سال دوم، شماره ۶، تابستان، صص ۱۷۱-۱۹۴.
 - هاشمی، صدیقه سادات؛ الوانی، سید مهدی. (۱۳۹۷). الگوی مدیریت منابع انسانی بخش دولتی در پرتو نهج البلاغه. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی. سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۸۱-۲۱۴.
 - وارثی، حمیدرضا؛ زنگی‌آبادی، علی؛ یغفوری، حسین. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی مطالعه موردی، زاهدان. فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، صص ۱۵۶-۱۳۹.
 - Abuissa, M. (1998). *Sonan Tarmazi*. Dar al-hadis Publication.
 - Amos, F. (1989). *Strengthening municipal government*. *Journal of Cities*, 6(3),

- Shahabadi, A., Jamehbozorgi, A. (2012). *The theory of good governance from the perspective of Nahj al-Balagheh*. Research Journal of Nahj al-Balagheh. No. 2, Summer, pp. 1-17.
- Sharifzadegan, M., Malekpour, B. (2014). *Urban management of the Islamic era in the economic urban spaces and its development and application in contemporary Iranian cities*. Journal of Islamic Architecture Research. Vol. 3, No. 4, pp. 65-85.
- Shayan, H. (2000). *Quantitative analysis of employment growth and developments in Khorasan province in the two decades of 1355-65 and 1365-75*. Geographical Research Quarterly, No. 61, pp. 88-73.
- Varesi, H., Zangiabadi, A., Yaghfuri, H. (2007). *A Comparative Study of Urban Public Service Distribution from the Perspective of Social Justice: A Case Study, Zahedan*. Quarterly of Geography and Development. No. 11, pp. 156-139.
- Ziaie, M. (2003). *Barriers to sustainable employment and solutions*. Economic Research Journal, Consecutive Issue 12, pp. 129-113.
- Mahozi, M. (2011). *The concept of management and leadership in Islam based on Nahj al-Balagheh*. Journal of Culture and Literature. Y. 8, No. 13, Spring & Summer, pp. 277-288.
- Mansouri, J. (2003). *Collection of city and municipal rules and regulations*. Didar Publication, Tehran.
- Mohamadi, K., Dashti, M. (1998). *Indexed dictionary of Nahj al-Balagheh*. Amir Publication.
- Mumford, L. (2003). *Culture of cities*. Translated by Aref Aqwami Moghaddam. Publication of Urban Planning and Architecture Research Center.
- Naghizadeh, M. (2015). *Alavi City (a realistic utopia)*. Khorshid Publication.
- Navaie, A., Mousavi, H. (2010). *The structure of government in Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Interpretive Studies. Y. 2, No. 6, Summer, pp. 171-194.
- Rabipour, M., Samadivand, M. (2008). *Management policy and characteristics of managers in Nahj al-Balagheh*. Journal of Beyond Management. Y. 2, No. 8, pp. 119-140.
- *management system with emphasis on urban development plans*. Urban Management. Journal of Urban Management. No. 37, pp. 231-256.
- Darzi, Gh., Sadrieh, P. (2014). *An interdisciplinary view of good governance in the Quran and Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Al-Nahj. No. 46, Fall, pp. 103-126.
- Erfanian, J. (2016). *Development of urban management from the perspective of Iranian Islamic civilization*. Farhosh Publication.
- Gharasouie, E. (2014). *Identify the components and political indicators affecting healthy management inspired by Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Al-Nahj. No. 46, Fall, pp. 127-143.
- Ghorbannejad, P., Eisakhani, A. (2012). *Competency model of managers based on Imam Ali's Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Development and Transformation Management. No. 15, pp. 17-22.
- Hashemi, S., Alvani, M. (2017). *Public sector human resource management model in the light of Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Law Enforcement Management Research. Y. 13, No. 2, Summer, pp. 181-214.
- Heidari, R. (2018). *Study of the statehood and government principles in Nahj al-Balagheh and Siasat-Nameh*. Journal of Persian Literature Prose. Y. 21, No. 43, Spring & Summer, pp. 63-85.
- Jafari, M. (1996). *Translation and interpretation of Nahj al-Balagheh*. Islamic Culture Publication.
- Jafari, M. (2004). *Tribal management and civic management in Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Humanities. No. 10, Vol. 1, Spring, pp. 91-110.
- Kazemian, R., Abedini, Z. (2010). *Pathology of Integrated Urban Management in Tehran from the Perspective of Urban Policy and Decision Making*. Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning, No. 46, pp. 38-27.
- Khansari, J. (1976). *Description of Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalem*. Vol. 2. University of Tehran Press.
- Razi, S. (1998). *Nahj al-Balagheh (Translated by Shahidi, J. in Persian)*. Scientific and cultural publishing company.
- Roštami, H. Nazari, M. (2015). *An analysis of the political government model in the age of absence based on the teachings of Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Al-Nahj. No. 48, Spring, pp. 98-121.